

تحلیل آموزه‌های تربیتی روایات تفسیری سوره احزاب

با تأکید بر تفسیر نور الثقلین و دُرِّ المنثور

سیده زینب طلوع هاشمی^۱

رحیمه علیدوست (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

سوره احزاب از جمله سوره‌های قرآن کریم است که مباحثی متنوع در زمینه موضوعات تاریخی، اعتقادی و فقهی در آن بیان شده است. با توجه به تنوع مضامین این سوره در کنار روایات فراوانی که در تبیین مفاهیم آن صادر شده، ضروری است مباحث این سوره با استفاده از آموزه‌های روایات مورد بازخوانی قرار گیرد. از این رو در این پژوهش به تحلیل آموزه‌های تربیتی روایات تفسیری ذیل آیات سوره احزاب در دو تفسیر روایی شیعه و اهل سنت، نور الثقلین و الدر المنثور به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از کتب تفسیری و اخلاقی پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، روایات تفسیری ذیل آیات این سوره را می‌توان از سه منظر اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی اخلاق اجتماعی طبقه‌بندی نمود.

کلید واژه‌ها: آموزه‌های تربیتی، روایت تفسیری، نورالثقلین، الدرالمنثور، سوره احزاب.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

مقدمه

سوره مبارکه احزاب از جمله سوره‌های قرآن کریم است که مباحثی متنوع در زمینه موضوعات اخلاقی، خانوادگی، تاریخی، اعتقادی و فقهی در آن بیان شده است. با توجه به تنوع مضامین این سوره در کنار روایات فراوانی که در تبیین مفاهیم آن صادر شده است، جای آن دارد که در پژوهشی مستقل و با نگاهی جدید به تبیین آموزه‌های آن پرداخته شود. نیز از آنجا که لازمه به دست آوردن نگاهی جامع در باب روایات تفسیری تتبع در تفاسیر روایی فریقین است. این پژوهش بر آن است با محور قرار دادن دو تفسیر از مهم‌ترین تفاسیر روایی فریقین که عبارت‌اند از نور الثقلین و در المنثور روایات تفسیری صادر شده از معصومین علیهم‌السلام ذیل آیات سوره احزاب و آموزه‌های تربیتی روایات جمع‌آوری شده در این تفاسیر را مورد واکاوی قرار دهد. بنابراین شایسته است که بهره کافی از این متون برده شود. اشمال این روایات بر آموزه‌های هدایتی و تربیتی یکی از مهم‌ترین اموری است که بازخوانی آن‌ها را ضروری می‌سازد، بدین جهت در این مقاله تلاش شده آموزه‌های اخلاقی روایات تفسیری سوره مبارکه احزاب در دو تفسیر نورالثقلین و الدر المنثور استخراج شوند. از آنجا که نحوه تعامل انسان با خویش، با افراد خانواده و اجتماع از مهم‌ترین حوزه‌هایی هستند که در اکثر مکاتب اخلاقی مورد توجه قرار گرفته‌اند، در این پژوهش نیز تلاش بر آن بوده است تا آموزه‌های اخلاقی و تربیتی روایات تفسیری سوره مبارکه احزاب به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از سه منظر اخلاق فردی، اخلاق خانوادگی و اخلاق اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرند.

۱. اخلاق فردی

مراد از اخلاق فردی آن دسته از فضایل و رذایل یا بایدها و نبایدهایی هستند که مربوط به خود فرد می‌شوند. (نراقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۵) براساس تعریف یاد شده میزان اتصاف فرد به فضایل و رذایل اخلاقی مهم‌ترین معیاری است که با آن می‌توان تصویری اجمالی از شخصیت و شاکله رفتاری وی به دست آورد، بنابراین در این قسمت در دو حوزه فضایل و رذایل اخلاقی به استخراج آموزه‌های تربیتی روایات سوره مبارکه احزاب پرداخته شده است.

۲. فضایل اخلاقی

فضایل اخلاقی مجموعه‌ای از اخلاق‌های پسندیده‌ای است که فرد را زینت می‌دهد و به رستگاری می‌رساند. این فضایل اخلاقی را می‌توان به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

۱. فضایی که در ارتباط با خدا می‌باشد از جمله دعا، ذکر، اهمیت دادن به نماز، پرهیز از ریا، خوف و رجا؛

۲. فضایی که در ارتباط با خود فرد است، همانند نظم و انضباط در کارها، غنیمت شمردن فرصت‌ها، پرهیز از حرف‌های نادرست؛

۳. فضایی که در ارتباط با دیگر اشخاص می‌باشد، همانند تواضع، راستگویی، برادری و اتحاد، رعایت حقوق دیگران. (یوسفیان، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۹)

به عبارت دیگر برجستگی‌های نیک اخلاقی را که باعث نجات و رستگاری فرد می‌شود و او را به سعادت می‌رساند (نراقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۵) فضایل اخلاقی گویند.

۳. لزوم آمیختگی اخلاص با عقیده و عمل

در روایتی ذیل آیه چهارم این سوره از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است که حضرت می‌فرماید: دوستی ما و دوستی دشمنانمان با هم، در قلب یک نفر قابل جمع شدن نیست؛ خداوند متعال در درون انسان دو قلب قرار نداده است تا با یکی محبت بورزد و با دیگری دشمنی کند. دوستدار و محب ما باید همان‌گونه که طلا با حرارت خالص می‌شود و هیچ ناخالصی در آن باقی نمی‌ماند، محبت خود را برای ما خالص کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۳۵)

صاحب تفسیر نمونه بیان می‌کند که قلب واحد کانون اعتقاد واحدی است و آن هم برنامه عملی واحدی را اجرا می‌کند چرا که انسان نمی‌تواند حقیقتاً معتقد به چیزی باشد، اما در عمل از آن جدا شود و اینکه بعضی در عصر ما برای خود شخصیت‌های متعددی قائل هستند و می‌گویند فلان عمل را از جنبه سیاسی انجام دادم و فلان کار را از جنبه دینی و کار دیگر را از نظر جنبه اجتماعی و به این ترتیب اعمال متضاد خود را توجیه می‌کنند، منافقان زشت سیرتی هستند که می‌خواهند قانون آفرینش را با این سخن زیر پا بگذارند. درست است که جنبه‌های زندگی انسان مختلف است، ولی باید خط واحدی بر همه آن‌ها حاکم باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۹۵)

با توجه به این روایات می‌توان دریافت که دو اعتقاد متضاد در یک قلب جمع نمی‌شود و باید در عقیده و عمل کار فرد یکی باشد.

۴. صبر بر مصیبت

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۴۰ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام صادق علیه السلام برداشت می‌شود وقتی که ابراهیم فرزند پیامبر از دنیا رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله به زبان حال فرمود: ای ابراهیم، بر مرگ تو غمگین هستیم، ولی صبر می‌کنیم؛ دل غمگین می‌شود و چشم گریه می‌کند، اما ما چیزی نمی‌گوییم که خداوند را به خشم آورد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۸۴-۲۸۳)

امام خمینی رحمته الله علیه در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل بیان کرده است که صبر بر مصیبت، منشأ رضا به قضای الهی می‌باشد و این از مقامات بزرگ اهل ایمان است فردی که نتواند یک مصیبت که از حق و محبوب مطلق به او می‌رسد، تحمل کند و فردی که از ولی نعمت خود که هزاران نعمت دیده و غرق نعمت‌های او است یک مصیبت ببیند زبان به شکایت باز کند ایمان ندارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۱)

با توجه به این روایت و بیان امام خمینی رحمته الله علیه این طور می‌توان دریافت صبوری که پیامبر صلی الله علیه و آله بر مصیبت فرزندش کرد و زبان به شکایت باز نکرد، در اثر ایمانی که به خداوند و رضا به قضای الهی داشته است می‌باشد.

۵. یاد کرد خدا در حلال و حرام

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۴۱ و ۴۲ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام صادق علیه السلام چنین برداشت می‌شود که خداوند را در چیزی که بر شما حلال و حرام کرده است یاد کنید. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۸۷) کسی که پیوسته متذکر و در یاد خدا است، قهرماً در همه حرکات و اعمال خود، موافقت او را منظور داشته و حضور و لقاء او را می‌خواهد و کسی که از خدای خود راضی است، در کارهای خود او را وکیل قرار داده و با نهایت اطمینان و یقین وظایف خود را آن طوری که هست انجام می‌دهد.

پس ذکر خدا و در یاد خدا بودن هرگز با خلاف و عصیان و محجوبیت سازگار نیست، چنان که حالت رضا داشتن مستلزم تسلیم بودن و توکل کردن و تن دادن به فرمان او

است و در مقابل کسی که از پروردگار متعال اعراض کرده و به زندگی دنیا مشغول است، قهراً غرق خود نمایی و خود بینی و محبت دنیا خواهد بود و کسی که در وادی غفلت و جهالت است، مفهوم لذت در عبادت و گرفتگی و ناراحتی در معصیت را نفهمیده و در میان وظایف و فرایض خود که لازم است و آنچه حرام و ممنوع است فرقی نخواهد گذاشت. (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ۱۲)

با توجه به این روایت و بیان صاحب مصباح الشریعه این طور می‌توان دریافت که یاد خدا در حلال مستلزم تسلیم بودن و توکل کردن و تن دادن به فرمان خداوند است و یاد خدا در حرام سبب می‌شود که از غفلت و جهالت و معصیت دور بمانیم.

۶. حیاء

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۳ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از این روایت برداشت می‌شود که امسلمه و میمونه پیش پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که اممکتوم نابینا وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها گفت که خود را بپوشانید. آن‌ها گفتند: کور ما را نمی‌بیند. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت آیا شما هم او را نمی‌بینید؟ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۹۷)

شیخ مجتبی تهرانی در کتاب اخلاق الهی بیان کرده است که حیا نتیجه یقین به حضور خداوند است. فرد عاقل در حضور دیگران ادب حضور را رعایت می‌کند و آنچه را نباید آشکار نمی‌کند و بسته به جایگاه شخص حاضر حرکت‌ها و سکناش متفاوت می‌شود. کسی که به حضور خدا یقین دارد و باور کرده است که او همه چیز را می‌بیند و بر همه چیز احاطه دارد، از گناه پرهیز می‌کند نه از ترس عقاب، بلکه از شرم حضور و به اطاعت او می‌شتابد، نه به شوق پاداش بلکه از شرم این که او بجویدش و در آنجا نبیندش. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۲۴)

با توجه به این روایت و بیان ایشان این طور می‌توان دریافت که امسلمه و میمونه به آن درجه یقین نرسیده بودند که حضور خداوند را در همه حال حس کنند و خود را در مقابل شخص نابینا بپوشانند.

۷. گفتن صلوات بعد از عطسه

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۶ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام رضا علیه السلام برداشت می‌شود که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در هر حال و بر عطسه کننده لازم است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۱)

در این زمینه روایتی بیان شده است که امام علیه السلام عطسه کرد و فردی که آنجا حضور داشت عرض کرد هنگامی که امام علیه السلام عطسه کند چه بگوییم؟ فرمود بگویند: صلی الله علیک. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۰۸)

همچنین در روایتی بیان شده است که مردی در حضور امام باقر علیه السلام عطسه کرد و گفت: الحمدلله؛ امام علیه السلام فرمود: یرحمک الله، و به وی گفت: تو از حق ما کم کردی، بعد فرمود: هر وقت کسی از شما عطسه کرد، باید بگوید: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته. گفته شده است آن وقت آن مرد این ذکر را گفت، بعد از آن امام باقر علیه السلام فرمود: یرحمک الله. (کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۸۴) با توجه به این روایات این طور می‌توان دریافت هر وقت کسی عطسه کرد لازم است که صلوات بگوید. اگر نگوید از حق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام کاسته است.

۸. تأکید بر رعایت تقوای کلامی

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۷۰ و ۷۱ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام صادق علیه السلام برداشت می‌شود فردی که درست سخن نگوید عملش در پیشگاه خداوند قبول نمی‌شود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۹)

حسینی همدانی در کتاب انوار درخشان بیان کرده است:

با توجه به اینکه بسیاری از جنایات‌ها و گناهان بزرگ و فتنه‌انگیزی و فساد از سخنان نادرست و عدم رعایت تقوا از گفتار سرچشمه می‌گیرد و شاهد بر تقوا و وقار و سکینت اهل ایمان، همانا تقوا و صدق گفتار او است که گواه صدق نیت و صدق عمل و صحت رفتار او خواهد بود و آیه نیز صلاح و صدق گفتار را محور صلاح و استواری عمل معرفی نموده و شاهد بر صحت و صدق سیر و سلوک و افعال ارادی اهل ایمان خواهد بود و در ادامه آیه تأکید می‌کند درباره رعایت تقوا در تمام شئون زندگی و بهترین شاهد آن رعایت تقوا و پرهیز در گفتار و سخن است که سبب فوز عظیم و نیل به فضایل خلقی و کمال انسانی خواهد بود و نیز وسیله ظهور تقوی و

خویشترنداری در تمام اعمال او خواهد بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۷۳)

با توجه به این روایت و بیان حسینی همدانی ذیل این آیات این طور می‌توان دریافت که رعایت تقوا در سخن گفتن سبب ظهور تقوا در اعمال فرد می‌شود که در پیشگاه خداوند این اعمال پذیرفته می‌شود.

۹. رذایل اخلاقی

مراد از رذایل اخلاقی، فرومایگی‌های زشت اخلاقی است که باعث بدبختی و شقاوت فرد می‌شود و او را مستحق عذاب می‌نماید. (نراقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۵)

۱۰. نهی از طول امل

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۴۱ و ۴۲ در تفسیر نور الثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از این روایت برداشت می‌شود که خداوند حضرت موسی علیه السلام را از طولانی شدن امل در دنیا نهی کرد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۸۴)

کتب اخلاق علت طول امل را نادانی و حب دنیا بیان کرده‌اند؛ دنیا دوستی چنین است که وقتی انسان با دنیا و شهوت‌ها و لذت‌ها و دلبستگی‌های دنیا انس گرفت، جدایی از آن‌ها بر دلش سنگینی می‌کند و قلبش از یاد مرگ سرباز می‌زند همان مرگی که سبب جدایی از دنیا است و هر چه را که انسان خوش نداشته باشد پس می‌زند و آدمی با آرمان‌های بی‌هوده همواره چیزی را آرزو می‌کند که مطابق میل اوست و بقای در دنیا مطابق خواست اوست، پس همیشه چنین فکر می‌کند، و دار دنیا را بقاء تصور کرده در پیرامون وسایل دنیا و آنچه از مال، خانواده، منزل، دوستان و وسیله سواری و دیگر وسایل مورد نیاز، می‌اندیشد؛ پس دلش بر این اندیشه متمرکز شده و از یاد مرگ باز می‌ماند و هرگز به آن نزدیک نمی‌شود و اگر گاهی بر قلبش جریان مرگ و نیاز به آمادگی برای مرگ خطور کند، امروز و فردا می‌کند و خود را به آینده وعده می‌دهد و می‌گوید هنوز روزها در پیش داری، بزرگ می‌شوی و توبه می‌کنی، وقتی هم که بزرگ می‌شود می‌گوید تا پیر شوی! و وقتی که پیر شد می‌گوید وقتی که از ساختن این سرا و عمارت، این زمین و باغ خلاص شوم و از این سفر بازگردم و یا از دامادی و عروسی این فرزندم و جهازیه او فارغ شوم، و برای او خانه‌ای تهیه کنم و از ستیز فلان دشمن که با من درگیر است

رها شوم! همواره امروز و فردا به تأخیر می‌اندازد، هنوز وارد یک کاری نشده است و سرگرم پایان دادن آن است که ده کار دیگر پیدا می‌شود و همین طور کم‌کم امروز را به فردا وا می‌گذارد و هر کاری را به کار دیگر، بلکه به کارهای دیگر می‌کشد، تا اینکه مرگ او فرا می‌رسد. آن‌گاه است که غمش طولانی و تأثرش فراوان می‌شود که بیشترین فریاد اهل دوزخ از دست این امروز و فرداهاست! می‌گویند وای بر ما از دست امروز و فردا و امروز و فردا گوینده بیچاره نمی‌داند که امروز را وعده فردا می‌دهد، فردا نیز همین حالت را دارد، بلکه با گذشت زمان قوی‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود در صورتی که او گمان می‌برد که برای دوستدار و پاسدار دنیا فراغت هست، هیهات! هرگز کسی از دنیا فارغ نشد مگر به یکباره آن را ترک کرد. (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ۵۰۱-۵۰۰؛ جباران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۹۹-۲۹۸)

۱۱. نهی از سخن چینی

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۸ در تفسیر الدر المنثور مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود ایشان کسی را که صفت حسد و سخن چینی دارد از این صفات زشت و ناپسند نهی کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۲۰)

از دیدگاه اساتید اخلاق، سخن چینی پیامدهایی در دنیا و آخرت دارد؛ پیامدهای دنیایی آن پاره شدن پیوند دوستی و برادری، محروم شدن از رحمت الهی، رسوایی سخن چین و سلب اعتماد و دور شدن از مردم می‌باشد و پیامدهای آخرتی آن عذاب قبر، مسخ در محشر، محروم شدن از بهشت و عذاب آخرت است. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۳۱۱) بنابراین می‌توان دریافت که علت نهی پیامبر ﷺ از سخن چینی به دلیل پیامدهایی است که در دنیا و آخرت دارد می‌باشد.

۱۲. اخلاق خانوادگی

خانواده، کوچک‌ترین گروه اجتماعی در جامعه است که شامل پدر، مادر و فرزندان می‌شود. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۶۶۵) به سبب اهمیت این نهاد و فراهم شدن زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت افراد در آن، در اکثر مکاتب اخلاقی بر جایگاه خانواده تأکید شده و باید و نبایدهایی به منظور بالا بردن تأثیرگذاری این نهاد وضع شده است. در تعالیم دین مبین اسلام نیز در همین راستا به خانواده اهمیت ویژه‌ای داده شده است و

راهکارهای فراوانی برای مدیریت صحیح خانواده ارائه شده است. روایات تفسیری سوره مبارکه احزاب یکی از منابعی است که می‌توان در آن توصیه‌هایی در این باب را مشاهده نمود.

۱.۱۲. تأکید بر لزوم فرمان‌برداری از پدر

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۶ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود که خداوند پیامبرش را بر هر چه که یک پدر واقعی لازم است در برابر فرزندش انجام دهد، ملزم کرده است و مؤمنان را هم همانند فرزندی که از پدرش اطاعت می‌کند به اطاعت و فرمان‌برداری از پیامبر ﷺ لازم و ضروری دانست. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۳۷)

مهم‌ترین حق پدر، اطاعت فرزندان از پدر است. خداوند این حق را به پدر داده است که فرزندان از او اطاعت کنند. در علت فرمان‌برداری از پدر، اولین احتمالی که به ذهن می‌رسد، مدیریت و سرپرستی خانواده است؛ یعنی برای اینکه بی‌نظمی در نهاد خانواده به وجود نیاید، هر یک از اعضای خانواده لازم است که از مدیر این نهاد مقدس فرمان‌برداری داشته باشند. (شیخ زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

با توجه به این روایت، می‌توان دریافت که فرمان‌برداری از پیامبر ﷺ به عنوان پدر این امت بر مؤمنان الزامی است، چون که پیامبر ﷺ مدیر و سرپرست جامعه اسلامی می‌باشد که خداوند او را به این مقام الهی منصوب کرده است.

۲.۱۲. ازدواج با همسر پسر خوانده بعد از طلاق حرام نیست

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۳۷ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از این روایت برداشت می‌شود که ازدواج با همسر پسر خوانده بعد از طلاق حرام نیست. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۸۳) بر اساس گزارش روایات سبب نزول، این آیه در موضوع طلاق دادن زینب و ازدواج او با پیامبر ﷺ به امر خداوند نازل شده است. خداوند رسم و سنت جاهلیت را باطل کرد. زید پسر خوانده پیامبر، زینب را طلاق داد و پیامبر ﷺ به امر خداوند با او ازدواج کرد تا مردم بفهمند زن پسر خوانده مانند همسر فرزند صلبی حرام نیست. رسم جاهلیت این بود که هر کس پسری را به فرزندی می‌گرفت همسر او بر خودش حرام بود. این آیه حکم را برداشت و باطل کرد. کسی

نمی‌تواند و نباید بر پیامبر ﷺ اعتراض کند، زیرا در امت‌های سابقه هم سنت پروردگار چنین بوده است، یعنی این حلال بودن زینب بر پیامبر ﷺ مانند تحلیل محرمانی است که از روی مصلحت نسبت به پیامبران گذشته فرموده، همان طور که همسر اوریا را بر حضرت داوود حلال فرمود، چه پیش از آن زنی که شوهر او را می‌کشتند ازدواج کردن با او حلال نبود. این حکم به امر خداوند نسخ شده و به داوود وحی شد که همسر اوریا را به ازدواج خود درآورد تا امت نیز به او اقتدا کنند و اوامر الهی همواره نافذ و حتمی‌الاجرا بوده و خواهد بود. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۵۸)

با توجه به این روایت می‌توان دریافت که یکی از فلسفه‌های ازدواج پیامبر ﷺ با زینب به دلیل برداشتن سنت جاهلیت بوده است.

۳.۱۲. جدایی شایسته

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۴۹ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام باقر علیه السلام برداشت می‌شود که با کارهای خوب و هدیه مناسب که همان مهریه است زنان خود را بهره‌مند کنید چون آن‌ها از خانه شوهر به خانه خود بر می‌گردند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۸۸)

صاحب تفسیر نمونه ذیل این آیه بیان کرده است که هم ادامه زوجیت باید توأم با معیارهای انسانی باشد و هم جدا شدن؛ نه اینکه هرگاه شوهر تصمیم بر جدایی گرفت هرگونه بی‌مهری، ظلم، بدگویی و خشونت را در مورد همسرش مجاز بشمرد که این رفتار قطعاً غیراسلامی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۷۳)

در تفسیر هدایت کیفیت جدایی شایسته این‌گونه تبیین شده است که جدایی بدون نزاع و جدال یا وارد آوردن تهمت از سوی یکی به دیگری یا بدون آنکه از او داغ دل بستاند، باشد. این حکم لازم است که در تمام عقود اجتماعی و مالی اجرا گردد. (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۲۹۲)

با توجه به این روایت و بیاناتی که در ذیل این آیه بیان شده است می‌توان دریافت که جدایی زن از شوهر نباید با ظلم و خشونت همراه باشد.

۴.۱۲. حرمت ازدواج با همسر پدر

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۳ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام برداشت می‌شود که ازدواج با همسر پدر حرام است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۹۸)

در تاریخ آمده است که مردم جاهلی ازدواج با همسر پدر را تنفرآمیز و فرزندانی ررا که نتیجه آن ازدواج بود، فرزندان مورد تنفر می‌نامیدند. ازدواج نکردن با همسر پدر به دلیل مصالح و فلسفه‌های مختلفی مقرر شده، زیرا ازدواج با نامادری از یک طرف همانند ازدواج با مادر است؛ چون نامادری در حکم مادر دوم محسوب می‌شود و از طرف دیگر تجاوز به حریم پدر و هتک احترام او است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۲۵)

در تفسیر جامع روایت شده است از امام باقر علیه السلام که در زمان جاهلیت تا اوایل اسلام عادت بر این بود اگر مردی از دنیا می‌رفت و همسری داشت، همسرش را همانند کالایی به ارث می‌بردند. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵۶)

قرآن به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله با این عمل آنان به مبارزه برخاسته و آن را نسخ کرده و آن را «مقت»، یعنی عمل بسیار تنفرآمیز نامید. اسلام از حقوق زن دفاع کرد و چنین عملی را در دین خدا بسیار زشت دانست به حدی که زشتی این عمل را غیر قابل تصور بیان کرد و این عمل را دور از جوان مردی دانست و چنین ازدواجی را فاسد و روش نادرستی بیان کرد و با این سخن ارزش یک زن را در جامعه به عنوان یک مادر به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله تثبیت کرد. (میر حسینی، فلاح، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

با توجه به این روایت و بیاناتی که ذیل آن آمده است می‌توان این طور دریافت که ازدواج با همسر پدر به این دلایل حرام است که همسر پدر در حکم مادر دوم می‌باشد و ازدواج با او تجاوز به حریم پدر و از بین بردن احترام او است و این عمل ناپسند و زشت را قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله برداشت و ارزش یک زن را در جامعه به عنوان یک مادر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله تثبیت کرد.

۱۳. اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی، صفات و ملکاتی است که در رابطه بشر و اجتماع مطرح می‌گردد، به طوری که فرضاً اگر جامعه و اجتماع در کار نباشد، آن صفات مفهومی نداشته و تحقق نمی‌پذیرد. (جزایری، ۱۳۸۲: ۲۳)

مصباح یزدی بیان می‌کند: «اخلاق اجتماعی، کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۹) بنابراین اخلاق اجتماعی آن دسته از آموزه‌ها و باید‌ها و نبایدهایی را شامل می‌شود که دربردارنده شیوه‌های صحیح تعامل فرد با دیگران است.

۱۳.۱. شرکت در تشییع جنازه برادران مسلمان

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۲۲ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود که حضور داشتن در تشییع جنازه برادران مسلمان یکی از وظایف اجتماعی و حقوق به برادر مسلمان است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۵۸-۲۵۷)

فیض کاشانی در کتاب راه روشن بیان کرده است که هدف از تشییع، برآوردن حق مسلمانان و عبرت گرفتن است. مکحول دمشقی وقتی که جنازه‌ای را می‌دید، می‌گفت: تو صبح برو ما شب می‌آییم، پند بلیغ است درحالی که غفلت زود به سراغ انسان می‌آید، اولی می‌رود درحالی که دیگری بی‌خرد است. (کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۰۴)

با توجه به این روایت و بیان فیض کاشانی می‌توان این طور دریافت که تشییع جنازه برادران مسلمان حقی است که آنان به گردن ما دارند. ما هم روزی مانند آن‌ها از این دنیا می‌رویم و دیگران همین حق را برای ما انجام می‌دهند و دیگر این که مرگ را فقط برای دیگران نبینیم و آن را دور ندانیم.

۱۳.۲. توصیه به یاد خدا و پیامبر ﷺ در مجالس

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۶ در تفسیر نورالثقلین و الدرالمنثور مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود مجلسی که در آن یاد خدا و صلوات بر پیامبر ﷺ نباشد آن مجلس برای آن‌ها مایه افسوس و زیان است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۱)

پیامبر ﷺ کمال هر مجلسی را ذکر خدا و صلوات بر پیامبر و اهل بیت خود می‌داند و در این زمینه فرموده است: «اگر گروهی در مجلسی بنشینند [و برخیزند] و خداوند متعال را در آن مجلس یاد نکنند و بر پیامبرش درود نفرستند، در کارشان نقصان خواهد بود که اگر خداوند بخواهد آنان را عذاب می‌کند و اگر بخواهد می‌آمرزد». (قسطلانی، بی تا، ج ۲: ۶۷۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۴۲۰؛ نووی دمشقی، ۱۴۲۸ق: ۲۳۰)

پیامبر ﷺ مجلسی را که بدون یاد خدا به پایان رسیده شود حضور در بالای نعش درازگوش می‌داند و آن را مایه دریغ و افسوس اهل آن مجلس می‌شمارد. (متقی هندی، ۱۹۸۹، ج ۹: ۱۳۶)

با توجه به این روایات می‌توان دریافت که یاد خدا و پیامبر ﷺ در مجالس سبب به کمال رسیدن و رشد و تعالی فرد و آمرزش گناهان وی توسط خداوند می‌شود و به همین دلیل پیامبر ﷺ توصیه به یاد خدا و صلوات بر پیامبر ﷺ در مجالس کرده است.

۱۳.۳. نهی از بخل در حق خاندان عصمت و طهارت ﷺ

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۶ در تفسیر الدرالمثور مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود که ایشان فرد را از بخل در حق خاندان عصمت و طهارت ﷺ نهی کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۱۸)

بخل در حق خاندان عصمت و طهارت فرد را از مسیر سعادت و رستگاری دور می‌کند و سبب بدبختی وی می‌شود. در این زمینه پیامبر ﷺ فرمود: هر کس نام مرا ببرد و بر من صلوات نگوید، پس به حتم بدبخت است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۶۳) توصیه برای انجام دادن این حق تا آنجا است که فراموش کردن آن را هم سبب محرومیت فرد از نعمت‌های آخرت می‌داند. ایشان در جای دیگری فرمود: هر کس نام من پیش او برده شود و بر من صلوات نگوید به دوزخ می‌رود، پس خداوند وی را از رحمت خود دور می‌کند و فرمود: هر کس که نام من، پیشش برده شود صلوات بر من را فراموش کند، از راه بهشت به خطا رفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۹۵)

با توجه به این روایات می‌توان دریافت که به این دلیل پیامبر ﷺ فرد را از بخل ورزیدن در حق خاندان عصمت و طهارت ﷺ نهی کرده است که سبب دوری وی از سعادت و رستگاری و بدبختی وی در آخرت می‌شود.

۴.۱۳. پاداش شاد کردن مؤمن

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۸ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. مردی پیش امام صادق علیه السلام آیه ۵۸ را خواند امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مؤمنی را شاد کند هزار هزار حسنه پاداش دارد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۶) در این زمینه در روایات بیان شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین کارها پیش خداوند شاد کردن مؤمنان است. (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق: ۶۲)

و از ایشان منقول است: کسی که خانواده مؤمنی را شاد کند در روز قیامت هرگاه سختی ببیند خداوند آن شادی را به صورت یک مخلوق در می‌آورد که پیشش می‌آید و به وی می‌گوید: ای دوستِ خدا، نترس. آن کس می‌پرسد تو چه کسی هستی؟ او پاسخ می‌دهد من همان شادی‌یی هستم که در دل فلان فرد به وجود آوردی. (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق، ۶۲) و فرمود: هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر کس که مرا شاد کند، خدا را شاد کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۰)

با توجه به این روایات این طور می‌توان دریافت که شاد کردن مؤمن برابر است با شاد کردن پیامبر صلی الله علیه و آله و خداوند و همین طور مجسم شدن آن شادی به صورت مخلوق که در هنگام برانگیخته شدن فردی که باعث شادی مؤمن شده است می‌شود و به او کمک می‌کند.

۵.۱۳. نهی از رفتار جاهلانه با جاهل

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۸ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام باقر علیه السلام برداشت می‌شود که ما را از رفتار جاهلانه با جاهل نهی می‌کند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۶) در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صفت خردمند این است که در برابر رفتار جاهلانه، صبر و بردباری داشته باشد. (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۵۱) فردی که در بحث و گفتگو با افراد نادان و جاهل قصد موعظه و نصیحت آن‌ها را دارد، باید به این نکته توجه داشته باشد که در برخورد با کسانی که اعمال خلاف و باطل را از روی اعتقاد و تقدس انجام می‌دهند، تنها باید با ابزار و سلاح حکمت، منطقی، برهان و استدلال وارد شد و با ملایمت و نرمی و شفقت آن‌ها را متوجه اشتباه و خطایشان کرد. در صورتی که ما اگر به معتقدات و آداب و رسوم غلط و اشتباه و بی‌محتوای او اهانت کنیم، در واقع کار چندان مهمی نکرده‌ایم، ولی او بر اثر تعصب جاهلانه‌اش که ما

آن را تحریک کرده‌ایم عقاید و اعمال صحیح و درست ما را مورد هتک و بی‌حرمتی قرار می‌دهد. بنابراین به جای آن که سبب نجات و هدایت وی شده باشیم، او را بیشتر در اعماق جهل، ظلمت، کفر و گناه غرق کرده ایم. (مقدس نیا و محمدی، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۳)

با توجه به این روایات و بیان صاحب کتاب آداب معاشرت این طور می‌توان دریافت که در رفتار جاهلانه با جاهل باید صبور و شکبیا بود و با ابزار و سلاح منطقی و برهان وارد شویم و با ملایمت و نرمی با آن‌ها برخورد کنیم و به آداب و رسوم غلط و بی‌محتوای آن‌ها اهانت نکنیم که سبب می‌شود آن‌ها عقاید و اعمال صحیح ما مورد هتک و بی‌حرمتی قرار دهد.

۱۳.۶. تشریح سیره رفتاری صحیح زنان در اجتماع

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۹ در تفسیر نوالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از این روایت برداشت می‌شود که خداوند به همسران و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمن دستور داد که در مقابل مزاحمان خود را بیوشانند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۷)

حسینی همدانی در کتاب انوار درخشان ذیل این آیه بیان کرده است که زمان جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر ﷺ زنان آزاد و همچنین کنیزان بدون روپوش صورت آنان باز و گشوده از منزل بیرون می‌آمدند و جوانان بذله‌گو آنان را دنبال می‌کردند. آیه خطاب به پیامبر ﷺ آمد که به همسران و دختران خود و همچنین به زنان مسلمان بگو روپوش به صورت و چهره خود کنند که موهای سر و سینه آنان از ناظران پنهان بماند و روپوش افکندن به صورت و سینه بهترین شاهد عفت زنان است که مورد آزار و اذیت و هتک قرار نگیرند و افراد بذله‌گو نتوانند به آن‌ها از نظر ریه توجه نمایند و حریم آنان را هتک نمایند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۱۵۸) با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان دریافت که علت دستور خداوند به همه زنان مؤمن در مقابل مزاحمان این است که مورد آزار و اذیت افراد بذله‌گو قرار نگیرند و توجه آنان را به خود جلب نکنند و حریم آنان مورد بی‌احترامی قرار نگیرند.

۱۳.۷. نهی از آزار و اذیت افراد آبرومند

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۶۹ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام صادق علیه السلام چنین برداشت می‌شود که حضرت موسی علیه السلام پیش خداوند

آبرومند بود. قوم بنی اسرائیل او را متهم کردند و آزار دادند تا اینکه خدا آنچه را که آن‌ها درباره او می‌گفتند آشکار کرد پس طبق رضایت و زبان مردم هرگز نمی‌توان بود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۹) انتخاب موسی عَلَيْهِ السَّلَام از میان تمام پیامبرانی که مورد اذیت و آزار قرار گرفتند به این دلیل است که قوم بنی اسرائیل بیش از هر پیامبری او را آزار دادند. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۶۳۴)

منظور از آزار و اذیت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در اینجا یک حکم کلی و جامع است، زیرا بنی اسرائیل از جنبه‌های مختلف موسی عَلَيْهِ السَّلَام را آزار و اذیت کردند، آزار و اذیت‌هایی که بی‌شبهت به آزار بعضی از مردم مدینه نسبت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبود مانند پخش شایعات، نقل اکاذیب و دادن نسبت‌های ناروا به همسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۶۳۴) پس همان طور که خدا کاینات را آفرید و درست آفرید و ساخت آن‌ها را تمام کرد، و امور و کارهای آن‌ها را به اندازه قرار داد، و برای آن‌ها سنت‌ها و آدابی نهاد و به آن راهنمایی‌شان کرد، به همین روش هم آنچه را که شایسته آدمی است برای او مقدر کرد، و راه‌های سلامت را که وسیله دست یافتن به هدف‌های آبرومند و بزرگ است برای او قرار داد و راهنمای وی در رسیدن به آن‌ها شد و فرستادگان را برای هدف‌های آبرومند و بزرگ مبعوث کرد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۰۹)

از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه روایت شده است مؤمنی که با مردم زندگی می‌کند و اذیت و آزار آن‌ها را تحمل می‌کند در پیشگاه خداوند اجر و ثواب بیشتری می‌برد از آن مؤمنی که با مردم زندگی نمی‌کند و بر اذیت و آزار آن‌ها صبر نمی‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۴: ۱۹۲) با توجه به این روایات و بیانات مفسران ذیل این آیه این طور می‌توان دریافت که آزار و اذیت افراد آبرومند در اجتماع اسلامی خوب نیست، اگر چه افراد آبرومند آزار و اذیت دیگران را تحمل کنند و شرح صدر داشته باشند نزد خداوند اجر و ثواب بیشتری دارند و تنها مدافع آن‌ها در برابر آزار و اذیت دیگران خداوند است.

۸.۱۳. برادری در میان مؤمنان

این موضوع در روایات ذیل آیه ۵ در تفسیر الدر المنثور مورد اشاره قرار گرفته است. هر کس را که پدرش را نمی‌شناسید برادر دینی بخوانید. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۸۲) برادری نمونه‌هایی دارد:

۱. برادری نسبی، که بین دو برادر از طریق تولد و شرکت در اصل وجودی تشکیل می‌شود.

۲. برادری شانی و جعلی، که به تناسب مقام افراد از طریق عقد مخصوص بین دو یا چند نفر برقرار می‌شود همانند برادری پیامبر ﷺ با امام علی علیه السلام.

۳. برادری دینی که به وسیله گرفتن دین و آیین مشترک در بین افراد ایجاد می‌شود. همه مؤمنان به یک اصل و ریشه منسوب هستند و آن ایمان است؛ ایمان به خداوند یکتا و بی‌همتا؛ ایمان به پیامبر ﷺ و ایمان به همه فرستادگان الهی که باعث بقاء و زندگی ابدی مؤمنان است، همان طور که تولد باعث بقای طبیعی فرد است در نتیجه مؤمنان با یکدیگر برادرند، هم برادر پدر و مادری هستند که طینت و روح بهشتی دارند و پدرشان نور و مادرشان رحمت است و هم برادر شانی از نظر انتساب به پدر مشترک و هم برادر دینی از نظر دارا بودن اعتقاد و ایمان مشترک که باعث بقاء و سعادت جاودانه آن‌ها است. (سیفعلی ای، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۵) با توجه به این روایت و بیان صاحب کتاب اخلاق اجتماعی کاربردی این طور می‌توان دریافت که برادری در میان مؤمنان به دلیل دین و ایمان مشترکی است که در بین آن‌ها وجود دارد.

۱۳.۹. نهی از خودنمایی زنان در اجتماع

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۳۳ در تفسیر الدرالمنثور مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ برداشت می‌شود که ایشان زنان را از خودنمایی در اجتماع نهی کرده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۹۷) آرایش و زینت از ویژگی‌های ذاتی زنان است، اما باید محدوده آن خارج از فضای منزل رعایت شود. افراد، زن یا مرد برای حضور در اجتماع نیازمند ظاهری آراسته و آمیخته با وقار و متانت است، درحالی که در رابطه زن و شوهر آرایش و خودنمایی شایسته است. آرایش و خودنمایی که زن برای شوهر و مرد برای همسر خود انجام می‌دهد، هرگز نباید در خارج از فضای زناشویی انجام شود. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ۳۶۹) در این زمینه مؤلف *الامالی* از پیامبر ﷺ روایتی را بیان کرده است: پیامبر ﷺ از اینکه زن برای غیرشوهرش خود را آرایش کند نهی کرده است و فرمود هر زنی این کار را کند برای خدا است که وی را با آتش بسوزانند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۲۳) با توجه به این روایات و بیان صاحب کتاب اخلاق الهی این طور می‌توان دریافت که برای حضور در اجتماع باید ظاهری آراسته و آمیخته با وقار و متانت داشته باشیم، اما

حدود این آراستگی را در اجتماع باید رعایت کنیم که باعث خودنمایی و جلب توجه دیگران نسبت به خودمان نشویم.

۱۰.۱۳. توصیه به رعایت حقوق دیگران

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۳۵ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. پیامبر ﷺ فرمود: مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش در امان باشند و مؤمن کسی است که همسایه‌اش از آزارش در امان باشد و با شکم سیر نخوابد درحالی که همسایه‌اش گرسنه است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۷۸) محتوای این روایت را می‌توان به سه قسمت تقسیم نمود؛ قسمت اول آزار نرساندن به وسیله زبان است و قسمت دوم به یکی از حقوق همسایه که آزار نرساندن به ایشان می‌باشد و قسمت سوم به برآوردن حوایج همسایگان اشاره دارد.

قسمت اول: حفظ زبان

انسان باید در طول زندگی خود، در رفت‌وآمدها و معاشرت با دیگران، زبان خود را حفظ کند و هر حرفی را به زبان نیاورد. در این زمینه امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که راستگو باشد عملش خوب انجام می‌گیرد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۱۸۱) امام صادق علیه السلام فرمود: نجات مؤمن در حفظ زبانش است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۱۹۳) در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل امام خمینی رحمته الله علیه در زمینه حفظ زبان بیان کرده‌اند:

اختیار زبان را داشتن و این مار سرکش را تحت اختیار در آوردن از بزرگ‌ترین هنرمندی‌ها است که کمتر کسی می‌تواند به آن موفق شود و اگر کسی دارای چنین قدرتی شد، از آفات و خطرات بسیاری در امان می‌ماند، چرا که زبان، دارای آفات و خطرات بسیاری است که برخی برای آن نزدیک به بیست آفت بیان کرده است و شاید از آن هم بیشتر باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۸۶)

قسمت دوم: آزار نرساندن به همسایه

نزدیک‌ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه مخصوصی قائل است. در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به همسایه آزاری برساند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند و جهنم که بد جایگاهی است،

مکانش خواهد بود و کسی که حق همسایه را ضایع کند، از ما نیست» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۲۰۱)

قسمت سوم؛ برآوردن حوایج همسایگان

در هر جامعه‌ای آداب و رسومی وجود دارد که مراعات آن در حق همسایه لازم و ضروری است. در کنار آنچه هر انسان از برخوردهای مناسب درک می‌کند، اسلام نیز سفارشات در مورد همسایه‌داری دارد، از جمله آن‌ها برآوردن حاجات همسایه است که در این زمینه پیامبر ﷺ فرمود: «لا یشبع المؤمن دون جاره»؛ مؤمن بدون همسایه اش نباید سیر شود و همسایه گرسنه باشد. (قضاعی، ۱۳۶۱: ۳۴۷)

پیامبر ﷺ فرمود هر کس نعمت او افزایش پیدا کند، بار او در کار رسیدگی به زندگی مردم سنگین تر می‌شود؛ پس اگر به مدد رساندن به ایشان بپردازد، خدا نعمت او را افزایش می‌دهد و اگر چنین نکند، نعمت خویش را در معرض نابودی قرار داده است. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۴۸)

یکی از وظایف اخلاقی و انسانی در برابر همسایگان، برآوردن حوایج آن‌ها است که اگر به قصد قربت انجام شود، موفقیت‌های دنیوی و اخروی زیادی را به همراه دارد.

۱۳. ۱۱. نهی از بهتان

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۵۸ مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام پیامبر ﷺ چنین برداشت می‌شود که ایشان مسلمانان را از بهتان را نهی می‌کند و عاقبت بهتان را چنین بیان می‌کند که هر کس به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند یا چیزی درباره‌اش بگوید که در او وجود ندارد، خداوند او را روی تلی از آتش به پا می‌دارد تا از عهده آنچه گفته است برآید» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۷)

از امام صادق علیه السلام هم مشابه این روایت بیان شده است که فرمود: «هر کس به مرد یا زن با ایمانی به چیزی که در آن‌ها نیست، متهم کند و افترا بدهد، در روز قیامت خداوند او را در محل گندابی که در دوزخ از شرمگاه زنان بدکاره بیرون می‌آید برمی‌انگیزد، تا از عهده (اثبات) افتراپی که بسته است برآید» (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۶۰۹)

صاحب تفسیر نمونه علت مقدم داشتن «بهتان» بر «اثم مبین» را در آیه ۵۸ به خاطر اهمیت آن می‌داند، چرا که بهتان از بزرگ‌ترین آزار و اذیت‌ها به شمار می‌آید و جراحت

حاصل از آن حتی از جراحات نیزه و خنجر سخت‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۴۲۳)

بهتان یکی از رفتارهای بد اجتماعی است که در روایات هم به آن تاکید شده است. امام صادق علیه السلام در تعریف غیبت و بهتان فرموده است: «غیبت آن است که از شخصی چیزی بگویی که در خفا انجام داده است و بهتان آن است که در باره آن سخنی بگویی که انجام نداده است». (طبرسی، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

۱۳. ۱۲. لزوم براءت از منافقان

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۶۱ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام باقر علیه السلام برداشت می‌شود که به گفته خداوند لعنت بر ملعون واجب است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۰۷)

محمد حسین طباطبایی در کتاب المیزان بیان کرده است کلمه «تقفوا» مجهول ماضی از ماده «تقف» است که به معنای ادراک و ظفر یافتن به چیزی است و جمله مورد بحث حالیه است که حال منافقین و بیماردلان و شایعه‌پراکنان را بیان می‌کند و حاصل مجموع این حال و آن صاحب حال، این می‌شود که اگر سه طایفه مذکور دست از فساد بردارند، تو را علیه آنان می‌شورانیم، درحالی‌که این سه طایفه هر جا که یافت شوند ملعون باشند و خونشان برای همه مسلمانان هدر باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۱۱-۵۱۰) با توجه به این روایت و بیان طباطبایی می‌توان دریافت که لعن بر منافقان و بیمار دلان و شایعه پراکنان واجب است.

۱۳. ۱۳. پیشگیری از تهمت

این موضوع در روایتی ذیل آیه ۷۳ در تفسیر نورالثقلین مورد اشاره قرار گرفته است. از کلام امام صادق علیه السلام برداشت می‌شود که ایشان یکی از شیوه‌های پیشگیری از تهمت را بیان می‌کند که فردی به دیگری می‌گوید لباسی برای من بخر او در بازار می‌گردد و می‌بیند خود مثل آن را دارد، و مال خود را به او می‌دهد. امام به آن فرد می‌گوید که این کار را نکند و خود را در معرض اتهام قرار ندهد، حتا اگر مال خودش بهتر از بازار باشد مال خود را به او ندهد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۱۳) برای پیشگیری از ابتلا به

تهمت نباید حرکتی از فرد سر بزند که منشأ حدس و بدگمانی دیگران قرار گیرد. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۱۵۲)

نتیجه گیری

در این پژوهش آموزه‌های تربیتی روایات تفسیری سوره احزاب را در تفسیر شیعه و اهل سنت (تفسیر نور الثقلین و الدر المنثور) مورد واکاوی قرار دادیم و استخراج آموزه‌های تربیتی ذیل این سوره به ما نشان داد که این آموزه‌ها به سه دسته قابل تقسیم‌اند:

۱. اخلاق فردی که خود را به فضایل اخلاقی (لزوم آمیختگی اخلاص با عقیده و عمل، صبر بر مصیبت، یاد کرد خدا در حلال و حرام، حیا و...) بیاراید و از اجتناب از رذایل اخلاقی (نهی از طول امل، نهی از سخن چینی)
۲. اخلاق خانوادگی شامل تأکید بر لزوم فرمان‌برداری از پدر، ازدواج با همسر پسر خوانده بعد از طلاق حرام نیست، جدایی شایسته، حرمت ازدواج با همسر پدر.
۳. اخلاق اجتماعی مشتمل بر شرکت در تشییع جنازه برادران مسلمان، توصیه به یاد خدا و پیامبر ﷺ در مجالس، نهی از بخل در حق خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، پاداش شاد کردن مؤمن، نهی از رفتار جاهلانه با جاهل و... که با تحلیل هر یک از موارد یاد شده به وسیله کتاب‌های تفسیری و اخلاقی این طور می‌توان دریافت که همه این دستورات و توصیه‌ها در جهت سعادت و رستگاری بشر است و نهی از آن‌ها برای رهایی از گمراهی و بدبختی انسان‌ها است.

منابع و مأخذ:

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الامالی (للمصدق)، ج ۶، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ق)، مصادقة الاخوان، ترجمه علی خراسانی کاظمی، ج ۱، قم: کرمانی.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۱)، پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان، ترجمه ثواب الاعمال، ترجمه محمد علی مجاهدی، ج ۱، قم: انتشارات سرور.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۲)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، ج ۱، قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: سخن.
- بابایی، احمد علی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، ج ۶، تهران: انتشارات صدر.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۲)، اخلاق الهی، ج ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جزایری، محمد علی (۱۳۸۲)، دروس اخلاق اسلامی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حسینی همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۰)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ج نهم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- سیفعلی‌ای، فاطمه (۱۳۹۴)، اخلاق اجتماعی کاربردی، ج ۱، قم: موسسه بوستان کتاب.

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شیخ‌زاده، محمد جمعه (۱۳۸۸)، سیره عملی پیامبر ﷺ و اهل بیت در خانواده، ج ۱، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- صالحی دمشقی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴)، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴)، مشکاة الانوار، تحقیق: عزیزالله عطاردی قوچانی، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قسطلانی، احمد بن محمد (بی‌تا)، المواهب الدینه بالمنح المحمدیه، قاهره: المكتبه التوفیقیه.
- قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱)، شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر ﷺ)، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- کاشانی، محسن (۱۳۷۹)، *المحجۃ البیضاء فی تہذیب الاحیاء* (راہ روشن)، ترجمہ محمدصادق عارف، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- متقی الہندی، علاءالدین علی (۱۹۸۹م)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: الرسالہ.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *اخلاق در قرآن*، ج ۵، قم: موسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیہ السلام.
- مقدس‌نیا، محمد و محمد مهدی محمدی (۱۳۸۷)، *آداب معاشرت*، ج ۵، قم: زمزم ہدایت وابستہ بہ پژوهشکدہ علوم اسلامی امام صادق علیہ السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونہ*، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- منابع عربی
- منسوب بہ جعفر بن محمد، امام صادق علیہ السلام (۱۳۶۰)، *مصباح الشریعہ*، ترجمہ حسن مصطفوی، ج ۱، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفہ ایران.
- میرحسینی، صفیہ و ابراہیم فلاح (۱۳۹۴)، *شیوہ‌های مبارزہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم* با فرہنگ جاہلی، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
- زراقی، مہدی (۱۳۸۵)، *جامع السعادات*، ترجمہ کریم فیضی، ج ۱، قم: انتشارات قائم آل محمد علیہ السلام.

- نووی دمشقی، یحیی بن شرف (۱۴۲۸ق)، ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، ج ۱، بیروت: دارالوفاء.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، مجموعه ورام (ترجمه تنبیه الخواطر)، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه محمد رضا عطایی، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۷۶)، اخلاق اسلامی، ج ۱، قم: اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

